

امیری که رگش را برای آزادی ایران گذاشت

عمده افرادی که محمدتقی فراهانی از بعد از مرگ محمد شاه قاجار باعث رشد و بقائشان شد....



عمده افرادی که محمدتقی فراهانی از بعد از مرگ محمد شاه قاجار باعث رشد و بقائشان شد، از بعد از اجرای مجموعه اصلاحات فرهنگی و اقتصادی، بر علی‌پش شدند. از مهدعلیا و پسرش ولیعهد که

نگار، نسیم، به تاج و تخت پادشاهی، به‌دند، نگ تا دیوانان، و دیوانان، عصب ناصح، که امیکب تا گفت، اما، نامه، غضب شاه، و فیه‌نشاند، و ضامن، بقاع عم، و دولت شاه، شد. به گزارش ایسنا، امروز ۱۸ دی صد و هفتاد و دومین سالروز اجرای فرمان قتل میرزا محمدتقی خان فراهانی معروف به امیرکبیر صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۳۰ است.

تولد

حاصل ازدواج قربان و فاطمه در تاریخ ۱۹ دی ۱۱۸۵ در روستای هزاوه منطقه فراهان استان مرکزی به دنیا آمد و نامش را محمدتقی گذاشتند. محمدتقی دارای یک برادر به نام محمدحسن بود. کربلایی قربان پدر محمدتقی، آشپز میرزا عیسی قائم مقام فراهانی معروف به سیدالوزرا و میرزای بزرگ بود. او بعد از میرزا عیسی، ناظر آشپزخانه ابوالقاسم قائم مقام فراهانی معروف به میرزای ثانی،

پسر میرزا عیسی شد.

کربلایی قربان در پی‌ری، قاپونچی میرزای ثانی شد.

رفت و آمد کربلایی قربان به خانه اعیانی میرزای بزرگ و ابراز علاقه محمدتقی به یادگیری و آموزش باعث شد میرزا عیسی او را در کنار فرزندانش برای آموختن قرار دهد.

محمدتقی در کودکی ناهار محمدحسین و محمدحسن فرزندان میرزا را می آورد و در بیرون حجره مکتب دار می ایستاد تا ظرف های غذا را برگرداند. این توقف و با علاقه گوش کردن درس از سوی

محمدتقی موجب یاد گرفتن آنچه استاد به فرزندان میرزا عیسی می آموخت، شد.

میرزای بزرگ روزی برای اطلاع از وضعیت درس خواندن پسرانش به حجره استاد رفت و سوالی از فرزندانش پرسید اما آنان نتوانستند جواب پدر را بدهند. محمدتقی که در نزدیک حجره بود خودش

را به آنجا رساند و از میرزا خواست سوالاتش را از او بپرسد و محمدتقی پاسخ همه سوالات را میرزا را داد. میرزا وقتی علاقه و هوش پسر آش پزش را دید از او پرسید: «محمدتقی تو کجا درس

خواندی؟» و محمدتقی جواب داد: «روزها که غذای آقازاده ها را می آورم، ایستاده می شنوم.»

میرزا برای تشویق محمدتقی به او انعام داد اما محمدتقی انعام را نگرفت و به گریه افتاد. او وقتی سوال میرزا را که پرسید: «پس چه می خواهی؟»، شنید، جواب داد: «به معلم امر فرمایید درسی را

که به آقازاده ها می دهد به من هم بیاموزد.» و به این ترتیب محمدتقی تحت تعلیم استاد قرار گرفت و شیوه های منشی گری، نامه نگاری و صدور احکام دیوانی را از او آموخت.

محمدتقی با نشان دادن هوش و استعدادش، میرزای بزرگ را ترغیب کرد تا نوشتن و تحریر برخی احکام و نامه های دیوان را به او بدهد. این وضعیت ادامه یافت تا محمدتقی به مرور به دبیری

میرزای بزرگ منصوب شد. میرزا اصول و قواعد کار دیوانی را به محمدتقی آموخت.

خدمت محمدتقی در دستگاه میرزای بزرگ باعث باز شدن پای او به عمارت ناصرالدین میرزا، ولیعهد محمد شاه قاجار شد. استمرار در رفت و آمد و حمایت از ناصرالدین، رفته رفته موجب اعتماد

ولیعهد به محمدتقی و باز شدن پای او به دستگاه دیوانی او شد. دلسوزی محمدتقی موجب شد پس از درگذشت محمد شاه، او در همکاری با ملک جهان خانم ملقب به مهدعلیا مادر ناصرالدین،

لشکر شاهی را در حمایت از ناصرالدین بسیج کند و زمینه انتقال او از تبریز به تهران و تاجگذاری و نشستن بر تخت پادشاهی را به وجود آورد. با نشستن ناصرالدین شاه بر تخت پادشاهی،

محمدتقی به عنوان اولین صدراعظم شاه جدید منصوب شد.

القاب محمدتقی

مهمترین القاب محمدتقی فراهانی کربلایی محمدتقی، میرزا محمدتقی خان، مستوفی نظام، وزیر نظام، امیر نظام، امیرکبیر، امیر اتابک اعظم بود.

میرزا محمدتقی دو بار ازدواج کرد. ازدواج اولش با دختر عمویش، جان جان خانم دختر حاج شهباز خان فراهانی بود. او از این ازدواج صاحب سه فرزند شد با این حال در دوره صدارت ناصرالدین

شاه از جان جان خانم جدا شد.

محمدتقی بعد از جدایی از دختر عمو در ۴۳ سالگی به پیشنهاد ناصرالدین شاه با ملک نسا خانم معروف به ملک زاده خانم و عزت الدوله تنها خواهر تنی ناصرالدین شاه ازدواج کرد.

عزت الدوله متولد ۱۲۱۱ و محمدتقی متولد ۱۱۸۵ بود. با آنکه عزت الدوله ۲۶ سال از میرزا کوچک تر بود اما مراسم عقد دائمی آنان در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۲۲۷ در کاخ سعدآباد برگزار شد. میرزا از این

ازدواج صاحب دو دختر شد.

میرزا محمدتقی فراهانی مدتی بعد از وصلت با خاندان قاجار در نامه ای به ناصرالدین شاه، گفت: «از اول بر خود قبله عالم معلوم بود که نمی خواستم در این شهر، صاحب خانه و عیال شوم. بعد به

حکم همایون و برای پیشرفت در خدمت به شما، این عمل را مرتکب شدم.»

دیوان و دولت

ورود میرزا محمدتقی فراهانی به امور دیوانی با تحریر نامه های اداری و لشکرنویسی در خانه میرزای بزرگ آغاز شد.

میرزا محمدتقی در اواخر دوره سلطنت فتحعلی شاه در زمره نیروهای محمدخان زنگنه امیر نظام و پیشکار آذربایجان قرار گرفت و در اوائل سال ۱۲۱۶ به عنوان وزیر نظام آذربایجان و امیر نظام منصوب

شد. او در تاریخ ۲۰ دی ۱۲۱۶ به همراه ناصرالدین میرزا ولیعهد محمد شاه به روسیه رفت و با نیکلای اول تزار روس در منطقه ایروان ملاقات کرد.

میرزا محمدتقی در دوران سلطنت محمد شاه ریاست نمایندگی دولت ایران در کمیسیون صلح ارزنه الروم و وکیل تام الاختیار ایران در این کمیسیون بود. مذاکرات کمیسیون صلح در اسفند ۱۲۲۱ آغاز

شد و بعد از چهار سال که از حضور او در کسوت امیر نظام در کشور عثمانی گذشت، قرارداد صلح با موضوع رفع اختلافات مرزی با دولت عثمانی امضا شد.

میرزا محمدتقی بعد از حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات مرزی با دولت عثمانی از تاریخ ۱۱ خرداد ۱۲۲۶ به بعد مورد توجه ویژه محمد شاه قاجار قرار گرفت و به شاه نزدیک شد.

با مرگ محمد شاه، میرزا محمدتقی در همکاری با ملک جهان مادر ناصرالدین زمینه حرکت او از تبریز به تهران و تاجگذاری ناصر را به وجود آورد و ناصرالدین در تاریخ ۲۲ شهریور ۱۲۲۷ پس از تاج

گذاری بر تخت پادشاهی نشست.

از فاصله مرگ محمد شاه تا رسیدن ناصرالدین میرزا ولیعهد جوان از تبریز به پایتخت و نشستن بر تخت سلطنت، تصمیم گیری برای دربار و دیوان برای چند روز توسط مهدعلیا انجام شد.

با رسیدن خبر مرگ محمد شاه به تبریز، ولیعهد و مادرش مهدعلیا پول کافی برای رساندن خود به تهران نداشتند. میرزا محمدتقی خان با اطلاع از این مسئله به سرعت وارد شد و با استقراض از یکی

از تجار تبریز و جمع کردن شش لشکر پیاده و سواره، مادر و پسر را برای سفر به تهران یاری کرد. دلسوزی و همراهی امیرکبیر در این دوره حساس موجب تعمیق رابطه دوستانه ناصرالدین میرزا با

محمدتقی فراهانی شد.

میرزا که تا قبل از شروع سلطنت ناصرالدین شاه، منصب امیر نظامی را بر عهده داشت پس از نشستن ناصرالدین شاه بر تخت پادشاهی صدراعظم ایران شد و القابی چون «امیرکبیر» و «اتابک

اعظم» را از شاه دریافت کرد.

امیرکبیر با شروع صدارتش اصلاحات مختلفی در دیوان شاهی در حوزه های سیاسی، امنیتی، مالی، اقتصادی و فرهنگی به وجود آورد از جمله کاهش نفوذ و دخالت دول روس و انگلیس به دربار

ایران با باز کردن پای سیاستمداران آمریکایی به ایران در سال ۱۲۲۵، برقراری امنیت و پایان دادن به شورش های داخلی ناشی از ضعیف شدن دولت مرکزی، اصلاحات مالی و جلوگیری از ظلم صاحبان

منصبان به رعیت از اعم اقدامات امیرکبیر بود..

از دیگر اقدامات مهم امیرکبیر پایان دادن به شورش محمدحسن خان سالار فرزند اللهیارخان آصف الدوله در خراسان در ۲۶ آبان ۱۲۲۸ و نظم بخشیدن به امور اداری دربار و دیوان و ایجاد سازمان

نظارتی قوی تر بر عملکرد شاهزادگان و شاهدختان، خاندان سلطنت، رجال و صاحبان قدرت، تلاش برای برقراری عدالت و امنیت در دیوان شاهی، جلوگیری از شکنجه و آزار متهمان و مجرمان،

جلوگیری از پناهندگی جنایتکاران و مجرمین سیاسی به سفارتخانه های کشورهای خارجی بود.

امیرکبیر ساختار قشون ارتش را بازسازی و نظم نظامی را تقویت کرد همچنین چاپارخانه، تذکره خانه، ساخت بازار مسقف، تیمچه و سرای امیر در تهران، تأسیس سازمان امنیتی، خبررسانی، خفیه

نویسی، اصلاحات قضایی و پایان دادن به بست نشینی اعتراضی در حرم امامان و امامزادگان و انحرافات عمیق به وجود آمده در این زمینه را دستخوش تغییر کرد.

او تلاش زیادی کرد تا مدرسه دارالفنون در تهران بنا کند و بالاخره موفق شد ۱۳ روز قبل از اجرای حکم قتلش در تاریخ هشتم دی ۱۲۳۰ به این آرزویش جامع عمل بپوشاند.

میرزا محمدتقی در سال ۱۲۱۴ در لشکر آذربایجان به شغل و لقب مستوفی نظام منصوب و ملقب شد. در این زمان ناصرالدین میرزا حاکم آذربایجان بود.

میرزا در این دوره وارد سیاست شد و خدمات قابل توجهی انجام داد از جمله با سفر به روسیه از روس ها به دلیل قتل گریبایدوف نماینده روسیه در مذاکرات صلح پس از جنگ های ایران و روس،

عذرخواهی کرد.

او همچنین برای حل اختلافات مرزی با امپراتوری عثمانی با حضور در معاهده مرزی ارزنه الروم توانست اختلاف مرزی را به نفع ایران پایان دهد.

میرزا پس از انجام موفق این مسوولیت ها به سمت پیشکار ولیعهد منصوب شد.

اقدامات فرهنگی

امیرکبیر شخصی دیندار و مقید بود که در ارتقای منزلت بزرگان و علمای روحانی در عصر ناصری تلاش زیادی کرد. نقش برجسته و موثر امیرکبیر در سرکوب شورش بابیان و از بین رفتن فرقه بابیه با

محاکمه و اعدام بنیانگذار آن موجب تحکیم بیش از پیش روابط او و علمای دینی داشت.

انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، ترجمه متون و کتب خارجی و انتشار کتب داخلی و خارجی و دستگیری و اعدام سید علی محمد باب بنیانگذار فرقه بهائیت در ایران از جمله اقدامات فرهنگی امیرکبیر

بود.

ایران در اواخر سلطنت محمد شاه گرفتار فرقه بهائیت شد. این گرفتاری به شکل شورش ها و بلوایهای اجتماعی و فرهنگی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه ظاهر شد. بهائیان در این دوره با ایجاد بی

نظمی و شورش در شهرهای مختلف کشور خواسته های شان را مطرح کردند و تلاش زیادی برای تضعیف قدرت مرکزی کردند. فتنه باب در شهرهای شمالی و شمال غربی کشور مشکلات زیادی برای

کشور به وجود آورد.

علاوه بر بلوای بابیان، شورش بزرگی توسط ملاحسین بشرویه و هوادارانش در خراسان به راه افتاد. در زنجان نیز یکی دیگر از پیروان باب به نام محمدعلی زنجانی قیام کرد و مدتی طولانی این شهر را

گرفتار آتش و خون کرد.

بهائیان تهران نیز در دوره ای از سال های پادشاهی ناصرالدین شاه درصدد قتل او و صدراعظمش برآمدند اما ناکام ماندند.

در چنین شرایطی امیرکبیر به سرکوب بهائیان و رهبران آن پرداخت که این مسئله موجب جلب اعتماد بیشتر ناصرالدین شاه به او و تقویت جایگاهش نزد علما و بزرگان روحانی شد.

حکم قتل

مجموعه اصلاحات امیرکبیر موجب کینه و دشمنی بسیاری از صاحبان قدرت، شاهزادگان و دیوانیان به رهبری مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه شد. با تعمیق اختلافات و کینه های درباریان و از همه

مصمم تر و پیگیرتر مهدعلیا، قتل امیرکبیر در دستور کار قرار گرفت.

با اغوای شاه توسط درباریان و اطرافیان او و با تحریک بیگانگان، امیرکبیر از صدارت عزل و به حکومت کاشان منصوب شد. بعد از آن تمام افراد داخلی و خارجی که از زمان صدارت امیر از او ناراضی

شدند منتظر فرصت بودند.

با دست به دست هم دادن آنان، حکم قتل امیرکبیر از ناصرالدین شاه گرفته شد. علی خان حاجب الدوله با اینکه از سوی امیرکبیر بسیار مورد شفقت قرار گرفته بود، مامور اجرای حکم شد.

او با زدن رگ دست امیرکبیر در حمام فین کاشان در روز جمعه ۱۸ دی ۱۲۳۰ ماموریت خود را به پایان رساند.

بدن میرزا محمدتقی فراهانی امیرکبیر به کربلای معلی منتقل شد و طبق وصیتش در یکی از صحن های حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) به خاک سپرده شد.

منابع:

عباس اقبال آشتیانی، میرزا تقی خان امیرکبیر، تهران، موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳

فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲، ص ۵۳

ایرج افشار، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، تهران، مرکز تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۴۵۷

انتهای پیام